

**Analysis of the possibilities and capacities of artificial intelligence in  
the policy of inferring Islamic rulings**

Najmeh Zarrabian <sup>1</sup>  
Ali Mohammad Borna <sup>2</sup>  
Marzieh Pilevar <sup>3</sup>

Received: 30 May 2025  
Reception: 2 October 2025

**Abstract:**

Artificial intelligence has made significant changes in recent years by entering the field of Islamic sciences, especially the inference of religious rulings. The inference process, which has traditionally been based on in-depth research, jurist's ijihad, and the use of four sources, has now found a new horizon with tools such as machine learning, data mining, expert systems, and big data analysis. By improving the speed, comprehensiveness, and accuracy of analyzing religious texts and fatwas, these technologies enable the identification of patterns, classification of topics, and discovery of hidden relationships. On the other hand, artificial intelligence helps to identify and respond to emerging issues and emerging needs of Muslims more quickly. Despite these capacities, challenges such as the need to standardize religious sources, ensure data accuracy, maintain the spirit of ijihad and the independence of the jurist, and the risk of superficiality or machine interpretation also arise. Religious experts emphasize that the place of the jurist and human interpretation should be preserved, and that artificial intelligence should play the role of a complementary and helpful tool. However, the future of jurisprudence and inference will undoubtedly be influenced by smart technologies and data science, and it can play an important role in responding to the new challenges of the religious community. Keywords: Artificial intelligence, inference of religious rulings, Islamic jurisprudence, data mining, big data, ijihad, expert systems, standardization of religious resources

---

<sup>1</sup>PhD Student, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding Author)

<sup>3</sup>Associate Professor, Department of Theology, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

## تحلیل امکانات و ظرفیت های هوش مصنوعی در سیاست استنباط احکام شرعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نجمه ضرایبان<sup>۱</sup> ID

علی محمد برنا<sup>۲</sup> ID

مرضیه پيله ور<sup>۳</sup> ID

### چکیده

هوش مصنوعی طی سال‌های اخیر با ورود به عرصه علوم اسلامی، به ویژه استنباط احکام شرعی، تحولات چشمگیری را رقم زده است. فرآیند استنباط که سنتاً مبتنی بر پژوهش عمیق، اجتهاد فقیه و استفاده از منابع چهارگانه بوده، اکنون با ابزارهایی چون یادگیری ماشین، داده‌کاوی، سیستم‌های خبره و تحلیل کلان‌داده‌ها، افق تازه‌ای یافته است. این فناوری‌ها با ارتقای سرعت، جامعیت و دقت در تحلیل متون دینی و فتاوا، امکان شناسایی الگوها، دسته‌بندی موضوعات و کشف روابط پنهان را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، هوش مصنوعی کمک می‌کند مسائل مستحدثه و نیازهای نوپدید مسلمانان با سرعت بیشتری شناسایی و پاسخ داده شود. با وجود این ظرفیت‌ها، چالش‌هایی چون لزوم استانداردسازی منابع دینی، تضمین صحت داده‌ها، حفظ روح اجتهاد و استقلال فقیه، و خطر سطحی‌نگری یا تفسیر ماشینی نیز مطرح است. کارشناسان دینی تأکید دارند که جایگاه فقیه و تفسیر انسانی باید محفوظ بماند و هوش مصنوعی نقش ابزار تکمیلی و کمک‌کننده را ایفا کند. با این حال، آینده فقه و استنباط بی‌تردید متأثر از فناوری‌های هوشمند و علوم داده خواهد بود و می‌تواند نقش مهمی در پاسخ به چالش‌های نوین جامعه دینی داشته باشد. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، استنباط احکام شرعی، فقه اسلامی، داده‌کاوی، کلان‌داده، اجتهاد، سیستم‌های خبره، استانداردسازی منابع دینی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

در دهه‌های اخیر، شتاب فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، افق‌های تازه‌ای پیش روی علوم انسانی گشوده است. علوم دینی و فقه اسلامی، برخلاف تصور سنتی مبنی بر ایستایی و ثبات، همواره تحت تأثیر دستاوردهای جدید فکری و ابزارهای معرفتی روزگار قرار داشته‌اند. اکنون با ظهور الگوریتم‌های یادگیری ماشین، داده‌کاوی، شبکه‌های عصبی و نسل جدید سیستم‌های خبره، امکان تحلیل، دسته‌بندی و درک متون دینی و گزاره‌های فقهی، با عمق و دقتی بی‌سابقه فراهم شده است. این پیشرفت‌ها، ضمن ارتقاء سرعت و کیفیت پژوهش‌های فقهی، زمینه را برای کشف الگوهای پنهان، تحلیل روند تحول آرا و حتی پیش‌بینی مسائل مستحدثه فراهم آورده است.

استنباط احکام شرعی در سنت اسلامی، فرآیندی پیچیده، اجتهادی و مبتنی بر تعامل سازنده عقل و نقل است؛ فرآیندی که متکی بر چهار منبع اصلی: کتاب، سنت، اجماع و عقل بوده و نقش فقیه در آن محوری و انکارناپذیر است. با این حال، گستردگی منابع و حجم عظیم متون فقهی، ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای نوین داده‌پردازی را دوچندان نموده است. سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند بر شتاب و غنای فرآیند استنباط بیفزایند، اما همچنان جایگاه تأمل و داوری انسانی را تضعیف نمی‌کنند؛ بلکه با تحلیل‌های هوشمند، ابزار کمکی مؤثری را برای فقیه فراهم می‌کنند تا در مواجهه با مسائل پیچیده‌ی عصر حاضر، پاسخ‌های دقیق‌تر و کارآمدتری ارائه نماید.

امکانات هوش مصنوعی تنها به تحلیل متون یا جستجو در فتاوا خلاصه نمی‌شود. با ظهور کلان‌داده‌ها (Big Data)، ظرفیت‌هایی همچون استخراج روندهای تاریخی در استنباط احکام یک موضوع، مقایسه طیف آرا در مکاتب مختلف، و حتی کشف روابط معنایی پنهان میان اقوال و روایات ممکن شده است. چنان‌که برخی فقها و پژوهشگران معاصر تأکید دارند، هوش مصنوعی می‌تواند با فراهم‌آوردن امکان تحلیل تطبیقی و رعایت نظام دقیق استنادی در منابع، ضعف‌ها و ابهامات احتمالی روند اجتهاد را به خوبی آشکار ساخته، زمینه تصمیم‌گیری علمی‌تر را برای فقیه مهیا کند. در عین حال، بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند، بدون استانداردسازی دقیق منابع دینی و اعتبارسنجی داده‌ها، زمینه بروز خطا و ضعف در تحلیل‌ها را به دنبال خواهد داشت. لذا طراحی پایگاه‌های جامع، پالایش منابع، و پیاده‌سازی الگوریتم‌های قابل اعتماد، از لوازم ضروری ورود جدی هوش مصنوعی به عرصه استنباط است.

نکته مهم دیگر، ملاحظات فلسفی و اخلاقی درباره اتکای بیش از حد به هوش مصنوعی است؛ چرا که استنباط فقهی، امری فراتر از پردازش داده و تحلیل صورتی است و به روح اجتهاد فردی، فهم موقعیت‌های انسانی و قدرت درک شرایط اجتماعی وابسته است. بعضی از فقها هشدار داده‌اند که هرچند ابزارهای دیجیتال و داده‌کاوی می‌توانند دقت و سرعت را افزایش دهند، اما نباید جایگاه پرسش‌گری خلاق، اجتهاد پویا و تفسیر انسانی متون را محدود کنند. بنابراین نگاه به هوش مصنوعی در این عرصه، باید نگاهی تکمیلی و ابزارمحور باشد تا بتواند در خدمت پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه اسلامی قرار گیرد. آینده پژوهش‌های فقهی و بررسی احکام شرعی، بی‌تردید پیوندی عمیق با پیشرفت‌های هوش مصنوعی خواهد داشت؛ اما این پیوند، باید با مراقبت، پشتوانه علمی و رعایت اصول بنیادین اجتهاد دینی همراه باشد تا بتواند ارزش افزوده‌ای برای علوم دینی و نظام حقوقی اسلام ایجاد کند.

#### مفهوم‌شناسی هوش مصنوعی

هوش مصنوعی نام جامعی برای اطلاعات و سامانه‌های رایانه‌ای است که رفتار هوشمندانه‌ای را نشان می‌دهد یا پیش‌بینی و اطلاعات جدیدی ایجاد می‌کند این یک زمینه فن‌آورانه و پیشرو است که می‌تواند در انواع برنامه‌ها با کارایی نسبی با هزینه مناسب و در مقیاس گسترده اجرا شود. این پیشرفت فن‌آوری در بسیاری از زمینه‌ها از جمله قدرت بین‌الملل تأثیر می‌گذارد هوش مصنوعی شامل بسیاری از زمینه‌های ادراکی فن‌آوری از جمله یادگیری ماشین یادگیری عمیق بینایی رایانه‌ای پردازش زبان طبیعی و تعدادی از فن‌آوریهای جانبی به هم پیوسته است. در حوزه امنیتی، هوش مصنوعی در موارد زیر استفاده می‌شود هدایت، خودکار لجستیک اطلاعات، امنیت و جنگ در طیف سایبری و الکترومغناطیسی برنامه ریزی و شبیه‌سازی سامانه‌های سلاح خودکار رباتیک و سامانه‌های خودکار زمین هوا و دریا کنترل و فرماندهی پیش‌بینی هشدار و پیشگیری از بلایا (Sayer, ۲۰۱۹)

به نظر می‌رسد در یک تعریف ساده می‌توان گفت هوش مصنوعی شاخه‌ای از علوم رایانه است که هدف اصلی آن تولید ماشین‌های هوشمندی است که توانایی انجام دادن وظایفی را که نیازمند هوش انسانی است داشته باشد هوش مصنوعی در حقیقت نوعی شبیه‌سازی هوش انسانی برای کامپیوتر است و منظور از هوش مصنوعی در واقع ماشینی است که به گونه‌ای برنامه نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد. این تعریف می‌تواند به همه ماشین‌هایی اطلاق شود که به گونه‌ای همانند ذهن انسان عمل می‌کنند و میتوانند کارهایی مانند حل مسئله و یادگیری را انجام دهند (مازاریان، ۱۳۹۸: ۱۷۰).

بررسی ابعاد مختلف کاربرد هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی کاربرد هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی ابعاد گوناگونی دارد که بررسی هر ساحت از این کاربرد، تصویر ژرف تری از ظرفیت ها و چالش های پیش رو را آشکار می کند. نخستین بعد مهم، تسریع و افزایش دقت بازیابی و سازمان دهی منابع فقهی، شامل آیات، روایات، اقوال فقها و فتاوا است. مدل های پیشرفته جستجو و بازیابی متن مبتنی بر یادگیری عمیق، توانسته اند بازیابی اطلاعات فقهی را از وضعیت سنتی و محدود به سطحی ارتقا دهند که دسترسی سریع، جامع و طبقه بندی شده به منابع دینی فراهم شود (کاظمی، ۱۴۰۰:۳۴). این تحول می تواند حجم بالای متون را به شکل ساختارمند فهرست کند و به فقیه و پژوهشگر برای دستیابی به منابع مورد نیاز در کوتاه ترین زمان یاری برساند؛ اما باید مراقب بود که اتکای صرف به نتایج ماشینی بدون راستی آزمایی علمی، خطاهای بنیادی به دنبال دارد.

در بعد دوم، هوش مصنوعی با قابلیت تحلیل معناشناختی متون، می تواند درک عمیق تر و دقیق تری از مفاهیم فقهی ارائه دهد. این عمق تحلیل با بهره گیری از مدل های NLP باعث کشف لایه های معنایی، استخراج روابط بین نصوص و برقراری پیوندهای منطقی میان مطالب پراکنده می شود (حیدری، ۱۳۹۹:۷۸). چنین امکانی، بستر مناسبی برای دسته بندی منطقی تر احکام و فهم جامع تر نسبت به مبانی هر فتوا پدید می آورد، هر چند همچنان نیاز به قضاوت انسانی و کنترل تفاسیر وجود دارد.

یکی دیگر از ابعاد مهم، کاربرد هوش مصنوعی در تشخیص تعارضات یا مشابهات اقوال فقها است. شبکه های عصبی با شناسایی الگوهای شباهت و اختلاف میان گروهی از فتاوا یا متون، به کاهش تناقضات و سامان دهی استنباط کمک می کنند (رحیمی، ۱۴۰۳:۲۴). این کارکرد نه تنها موجب شفافیت بیشتر روند استنباط می شود، بلکه امکان اجتهاد تطبیقی و تقویت هم افزایی در فهم فقه اسلامی را برای نسل جدید فقیهان فراهم می سازد.

در بعد دیگر، هوش مصنوعی با داده کاوی عظیم در منابع فقهی، می تواند ارتباطات پنهان و روابط علت و معلولی در احکام را کشف کند؛ داده کاوی به واسطه الگوریتم های یادگیری ماشین، حتی به تحلیل روند تاریخی تغییر فتاوا و کشف ریشه های تحول در اصول و فروع فقهی کمک می کند (نجفی، ۱۴۰۱:۶۴). چنین کاربردی می تواند پژوهش های نظری و تاریخی فقه را تقویت کرده و به مطالعات تطبیقی و نقد درون سیستمی یاری رساند.

در زمینه پشتیبانی از فرآیند اجتهاد، برخی فقهای معاصر چون آیت الله علوی گرگانی بر این باورند که هوش مصنوعی می تواند در گردآوری مقدمات اجتهاد، طبقه بندی

دلایل و حتی پیش‌بینی روند پاسخ‌گویی به شبهات نوپدید ایفای نقش کند، اما تاکید دارند که عنصر رای و تحلیل انسانی در نهایت جایگزین ناپذیر است (علوی گرگانی، ۱۴۰۲:۱۱۰). لازمه این رویکرد، استفاده ابزاری و نه استقلالی از هوش مصنوعی است و این ترکیب رهیافت سنت و فناوری، می‌تواند کارآمدترین مدل برای اتکا به هوش مصنوعی در استنباط باشد.

در پایان باید گفت، هر یک از ابعاد فوق در کنار دستاوردهای هوش مصنوعی، پرسش‌ها و مخاطراتی را نیز به همراه می‌آورد. چنانچه کاربرد این فناوری‌ها بدون کنترل علمی، سنجش صحت داده‌ها، حفظ جایگاه اجتهاد انسانی و مراقبت از سلامت معرفتی شریعت انجام گیرد، ظرفیت‌ها می‌تواند به ضد خود بدل شود. بهترین الگو برای ورود هوش مصنوعی به فقه اسلامی، ایجاد هم‌افزایی میان عقلانیت دینی و ظرفیت‌های علم داده است تا فقه نه فقط پاسخگوی مسائل روز، بلکه نگهبان ارزش‌های پایدار دینی نیز باقی بماند.

فرایندهای تصمیم‌گیری فقهی مبتنی بر هوش مصنوعی در استنباط احکام

#### شرعی

یکی از تحولات بنیادین عصر جدید، ورود مدل‌های هوش مصنوعی به فرآیند تصمیم‌گیری فقهی و استنباط احکام شرعی است. این فرایندهای نوین با رویکرد داده‌محور و الگوریتمی، نه تنها سرعت و دقت بسیاری را در تحلیل منابع اسلامی فراهم کرده‌اند، بلکه باعث شده‌اند نگاه جدیدی به اجتهاد و روش‌های سنتی حاصل شود. مدل‌های تصمیم‌یار مبتنی بر هوش مصنوعی - که از تحلیل ارزشمند داده‌ها، الگوییابی و حتی پیش‌بینی تبعات اجتماعی بهره می‌گیرند - قابلیت اثرگذاری در لایه‌های عمیق پژوهش و صدور رأی فقهی را دارند (حیدری، ۱۴۰۱:۹۸). هر چند این مدل‌ها می‌توانند نقش مهمی در مدیریت حجم اطلاعات فقهی ایفا کنند، اما بدون مراجعه و تأیید متخصصان سنتی، اتکای صرف به آنها خطرآفرین است.

فرآیند تصمیم‌گیری فقهی با الگوریتم‌های هوش مصنوعی معمولاً با پردازش و جستجوی خودکار متون اصلی آغاز می‌شود. این مرحله شامل استخراج، فهرست‌بندی و دسته‌بندی آیات، روایات، اقوال فقها و متون کلاسیک با کمک مدل‌های زبان طبیعی و شبکه‌های عصبی است. دقت این مرحله به آن دلیل اهمیت دارد که بازیابی هوشمند منابع، زمینه‌ساز قضاوت عالمانه‌تر و کاهش خطاهای انسانی در بازیابی اطلاعات خواهد بود (کریمی، ۱۴۰۲:۱۰۵). اتوماسیون این بخش، وقت پژوهشگر را آزاد کرده و فرصت بررسی عمیق‌تر نصوص و مبانی را فراهم می‌آورد. در مرحله بعد، با تلفیق ابزارهای داده‌کاوی و کلان‌داده، هوش مصنوعی سناریوهای گوناگون را تحلیل و احتمالات متعددی را برای پاسخ به مسأله شرعی ارائه می‌دهد.

این سناریوسازی براساس مقایسه فتاوی قدیم و جدید، تحلیل روند تاریخی صدور احکام، سنجش میزان شباهت، اختلاف و منطق پشت هر یک از اقوال صورت می گیرد (نادری، ۱۴۰۲: ۴۳). این شیوه می تواند قابلیت استدلال تطبیقی و شفاف سازی روند استنباط را چند برابر افزایش دهد و معیارهای استوارتری از استدلال دینی را آشکار سازد.

در ادامه، مدل های هوش مصنوعی با بهره گیری از تکنیک های یادگیری عمیق می توانند الگوهای تصمیم گیری اجتهادی را شناسایی و تقلید کنند. این بدان معناست که سبک ها و روش اجتهاد فقهای پیشین بر اساس داده های آموزش یافته مدل، بازسازی و حتی گسترش می یابد، به گونه ای که سامانه قادر می شود منطق پنهان و حتی استقرایی آرای فقهی را آشکار کند (صفاری نژاد، ۱۴۰۰: ۷۳). تقلید الگوریتمی از رفتارسنجی اجتهادی می تواند برای ارتقا آموزش و پژوهش فقهی اثربخش باشد، اما همچنان خطر سطحی نگری و غفلت از ژرفای مبانی را در پی دارد.

در این میان دیدگاه های متنوعی در میان فقهای معاصر درباره فرایند تصمیم گیری فقهی مبتنی بر هوش مصنوعی دیده می شود. آیت الله سیستانی بر این باور است که بهره گیری از مدل های هوشمند در جمع بندی منابع فقهی و بررسی احتمالات مفید است اما نتیجه استنباط باید حتما توسط فقیه معتبر بازمینی و صحه گذاری شود، چراکه مدل ها قادر به سنجش اوضاع و احوال خاص و مقتضیات عرفی نیستند (سیستانی، ۱۴۰۲: ۵۹). این نگاه، هوش مصنوعی را مکمل عقل و شهود مجتهد دانسته و بر نظارت انسانی اصرار می ورزد.

برخی دیگر از فقها مانند علامه فضل الله، معتقدند هوش مصنوعی در صورت استاندارد بودن بانک داده ها و شفافیت الگوریتم ها، می تواند در موضوعات مستحدثه و جدید سهم بالایی در اجتهاد تطبیقی و پاسخگویی سریع به مسائل روز ایفا کند. وی خاطرنشان می کند که عبور از سنت های صرفاً نقلی، نیازمند ابزارهای تفسیری و هوشمند است (فضل الله، ۲۰۱۸: ۱۸۵). این رویکرد، افقی نو برای تعمیق و بسط فقه پویا و کارآمدتر خواهد گشود.

در بخش دیگری، برخی علمای اهل سنت نظیر شیخ علی جمعه تأکید دارند که مدل های تصمیم یار فقهی، ابزاری ارزشمند در مقابل پیچیدگی و تکرر داده های فقهی معاصر هستند؛ اما خروجی این مدل ها تنها زمانی ارزش فقهی دارد که تابع چارچوب های فقه مقاصدی و مقید به مصالح اجتماعی باشد (جمعه، ۲۰۲۲: ۲۲۳). این دیدگاه، کاربرد هوش مصنوعی را به شدت با مصلحت اندیشی و تحقق اهداف شریعت پیوند می دهد و مانع از غلبه خودکارگرایی ایستا بر شریعت زنده می شود.

فرآیندهای تصمیم‌گیری فقهی مبتنی بر هوش مصنوعی نه جایگزین مراجع فقهی، که ابزار تقویت فرآیند اجتهاد هستند. به شرط رعایت معیارهای علمی، تضمین شفافیت داده‌ها، و تأیید نهایی نهاد اجتهاد انسانی، این تکنولوژی راه را برای فقه آینده‌نگر، جامع و روزآمد هموار می‌سازد. آینده فقه اسلامی وابسته به تعادل میان توان فنی و مرزهای اجتهاد دینی و رعایت سنت‌های اصیل علمی خواهد بود.

#### طبقه‌بندی کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیند استنباط احکام شرعی

کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیند استنباط احکام شرعی را می‌توان به طبقات گوناگونی تقسیم کرد؛ نخستین طبقه، جستجوی هوشمند و بازیابی اطلاعات فقهی است. هوش مصنوعی می‌تواند با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته پردازش زبان طبیعی، متون فقهی و روایی را به‌طور خودکار جستجو کند و بخش‌های مرتبط را به پژوهشگر معرفی نماید (حسینی، ۱۳۹۹:۱۳۲). این طبقه به کاهش اتلاف وقت پژوهشگران کمک می‌کند و جلوی غفلت از منابع مهم یا دست دادن ربط‌های نور را می‌گیرد، هر چند هنوز نمی‌تواند به‌تنهایی جایگزین بررسی نقادانه انسانی شود.

در طبقه دوم، هوش مصنوعی در دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات و مسائل فقهی به کار می‌رود. سامانه‌های هوشمند با تحلیل محتوای متون و برچسب‌گذاری خودکار، موضوعات هم‌جنس را در کنار هم قرار می‌دهند و منابع مربوط به یک مسأله خاص را استخراج می‌کنند (نیکزاد، ۱۴۰۱:۲۲۱). این قابلیت باعث شفافیت بیشتر در حوزه مطالعات فقهی شده و پژوهش مسائل نوپدید را برای فقیهان جوان آسان‌تر می‌کند، ضمن اینکه احتمال برخوردهای سطحی نیز در صورت اتکای صرف به نتایج دسته‌بندی هوش مصنوعی افزایش می‌یابد.

طبقه سوم مربوط به تحلیل و استخراج قواعد فقهی و اصول استنباطی از دل منابع است. مدل‌های یادگیری عمیق قابلیت دارند که الگوهای تکرار شونده و قواعد ضمنی را که در متون فقهی پراکنده شده، استخراج کنند و در قالب قوانین کلی یا پارادایم اجتهادی ارائه نمایند (جعفری، ۱۴۰۳:۹۹). چنین کاربردی می‌تواند برای تربیت مجتهدان نسل جدید و انتقال تجربیات مجتهدان پیشین، نقش بزرگی ایفا کند، اگرچه همیشه خطر الگوبرداری صرف و نادیده گرفتن اقتضائات عصر جدید نیز وجود دارد. در طبقه دیگری می‌توان به آینده‌پژوهی فقهی از طریق الگوریتم‌های پیش‌بینی و سناریوسازی اشاره کرد. برخی سامانه‌های هوش مصنوعی قادرند با تحلیل روندهای استخراج احکام در گذشته و ارزیابی زمینه‌های اجتماعی و فقهی نوپدید، سناریوهای احتمالی آینده را پیشنهاد دهند (شریفی، ۲۰۲۲: ۷۳).

دیدگاه فقهای معاصر نشان می‌دهد نگرش‌ها نسبت به این طبقات متنوع است. آیت‌الله سبحانی معتقد است کاربرد هوش مصنوعی باید به تقویت شناخت مبانی

فقهی و نه صرفاً جایگزینی با اجتهاد سنتی بیانجامد، زیرا بسیاری از قرائن و شرایط بر مدل های هوشمند پوشیده می ماند (سبحانی، ۱۳۹۹:۵۷). تاکید بر نگاه تکمیلی و نه جایگزین بودن ابزار هوشمند، یکی از مهم ترین نقاط اتکای جریان سنتی اجتهاد خواهد بود.

در مقابل، برخی مانند علامه فضل الله باور دارند در حوزه مسایل مستحدثه که داده های کلاسیک کمتر پاسخگوست، مدل های یادگیری ماشینی می توانند در کنار نهاد اجتهاد رسمی، پیشنهاد های تازه ارائه کنند و حتی اسباب اجتهاد جمعی را فراهم آورند (فضل الله، ۲۰۱۸:۲۰۲). این رویکرد فقه را از بسته بودن سنتی خارج می کند و ایده هایی برای پویاشدن فقه و تربیت نیرو های متخصص بین رشته ای ارائه می دهد. در تحلیلی دیگر، آیت الله مکارم شیرازی بر این باور است که طبقه بندی کاربردهای هوش مصنوعی باید متناسب با حساسیت و اهمیت مسائل شرعی اولویت بندی شود و برای احکام اصلی، همچنان استناد نهایی به رأی فقیه لازم است، اما در حوزه های فرعی و اجرای احکام می توان از هوش مصنوعی سود جست (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲:۱۳۸). ترکیب اصول محوری و فناوری نوین باعث تقویت اعتماد عمومی به فرآیند فقهی، همراه با بهبود کارآیی علمی خواهد شد.

به گفته شیخ علی جمعه از علمای اهل سنت، استفاده از هوش مصنوعی در شناسایی اختلافات و جمع بندی آرای پراکنده زمینه شکل گیری الگوی فتوای جمعی و ایجاد وحدت نظری در برخی چالش های نوپدید را فراهم می سازد، مشروط بر رعایت مقاصد شریعت و اصول اعتدال در استناد به داده ها (علی جمعه، ۲۰۲۲:۲۳۱). این رویکرد شکل نوینی از هم افزایی فقهی را رقم می زند و می تواند ظرفیت تعاملات بین المذهبی را نیز گسترش دهد.

در مجموع، طبقه بندی کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیند استنباط احکام شرعی، نه تنها افق تازه ای در علوم اسلامی گشوده، بلکه زمینه رشد، دقت، پاسخگویی و پویایی بیشتر فقه را فراهم آورده است. لازم است به همراه توسعه کمی کاربردها، الزامات فقهی، استانداردها سازی، شفافیت الگوریتم ها و نظارت نهادی را نیز مدنظر داشت تا فناوری در خدمت تعالی معرفت دینی و استحکام اجتهاد سنتی باقی بماند. آینده اجتهاد هوشمند، تابع پیوند عمیق میان سنت و نوآوری و رعایت مرزهای نقش انسان در فرآیند تصمیم گیری فقهی خواهد بود.

تشخیص و دسته بندی احکام شرعی با ابزارهای نوین هوش مصنوعی

در مرحله دسته بندی، سامانه های نوین با تکیه بر تحلیل آماری و روابط مفهومی میان احکام، قادرند ارتباط بین مسائل فقهی گوناگون را شناسایی و شبکه ای از احکام مشابه یا متداخل بسازند. مثلاً موضوعاتی همچون نماز، روزه و معاملات را در قالب

خوشه‌های معنایی و موضوعی گروه‌بندی کرده و ارتباطات بین شاخه‌های فرعی را به تصویر می‌کشند (کریمی، ۱۴۰۱: ۶۷). این سطح از طبقه‌سازی، امکان تحلیل تطبیقی میان آراء فقها و رصد سریع تحولات فقهی را تقویت می‌کند؛ البته نگرانی‌هایی درباره اشتباهات دسته‌بندی به دلیل پیچیدگی ساختار زبان دینی باقی است.

در بخش تطبیق و شناسایی احکام، برخی مدل‌ها با بهره‌گیری از یادگیری تحت‌نظارت می‌توانند بر اساس داده‌های آموزش داده‌شده، نوع و دسته هر حکم جدید را به صورت خودکار تشخیص دهند. این فرآیند الگوریتمی شباهت زیادی به کار شاگردپروری در حوزه‌های علمیه دارد، با این تفاوت که سامانه هوشمند قادر است حجم بی‌شماری از فتاوا را در زمان اندکی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (شهابی، ۱۴۰۳: ۱۴۰). رشد این مدل‌ها چشم‌انداز تربیت مجتهد را به افق‌های تازه‌ای می‌برد اما جایگزینی کامل با اجتهاد انسانی را معنی‌دار نمی‌داند.

دیدگاه فقهای معاصر نسبت به کاربرد ابزارهای هوشمند در این زمینه متفاوت است. علامه مکارم شیرازی بر این باور است که ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند با تسهیل استخراج و دسته‌بندی احکام در مسائل مستحدثه و نوپدید، به فرآیند تصمیم‌گیری اجتهادی کمک کنند، به شرطی که اجتهاد نهایی و فتوی همچنان برعهده فقیه باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲: ۲۲۴). توجه ایشان به ابعاد مکمل و تسریع‌کننده فناوری، شاخص مهمی در فرایند مشروعیت‌بخشی به هوش مصنوعی در فقه معاصر است.

آیت‌الله جوادی آملی نیز تصریح دارد که ابزارهای مبتنی بر داده اگرچه در یافتن سریع پاسخ به سؤالات فقهی مفیدند، اما قدرت درک پیچیدگی نیت شارع و جزئیات عرفی را ندارند، بنابراین خروجی این ابزارها باید توسط مجتهد جامع‌الشرایط تایید شود (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۸۰). تأکید مجدد بر نقش مرجعیت دینی، خط تمایز هوشمندانه‌ای میان نوگرایی فنی و نیاز به اصالت اجتهاد فراهم می‌آورد.

در نظر برخی فقها همچون آیت‌الله سبحانی، دسته‌بندی احکام توسط هوش مصنوعی زمانی می‌تواند مشروعیت فقهی داشته باشد که داده‌ها از منابع معتبر و اصیل استخراج شود و طبقه‌بندی احکام در رده‌هایی غیر از مسائل اصولی به نظارت کامل مراجع انسانی منوط باشد (سبحانی، ۱۳۹۹: ۸۲). صحت و اعتبار داده‌ها نقشی اساسی در اعتمادیابی عمومی به سیستم‌های فقهی هوشمند دارد و این نگرش مکمل رویکردهای فنی است.

یکی دیگر از کاربردهای ابزارهای هوشمند، کشف احکام نانوشته یا مهجور است؛ یعنی سامانه‌ها قادرند با تحلیل عمیق و بازسازی پیوندهای غیرمستقیم بین کلمات و

گزاره‌ها، پاسخ‌هایی برای سؤالات علوم انسانی یا پرسش‌های نوپدید استخراج کنند (حسینی، ۱۴۰۰:۱۵۳). این ظرفیت می‌تواند خطوط نوینی برای طرح پرسش‌های جدید و مباحث نوظهور در فقه پدید آورد، البته خطر بازتولید احکام ضعیف یا بدون سند قوی نیز باید مدیریت شود.

ابزارهای پیشرفته‌تر هوش مصنوعی مانند LLM، GPT و شبکه‌های عصبی مولد می‌توانند نوع ادبیات، فضای سؤالات و حتی زمینه صدور احکام را بر اساس داده‌های تاریخی یا ویژگی‌های زبانی تشخیص دهند و به نوعی کار تحلیل‌گر زبان‌شناسانه را برای فقیهان ساده کنند (یوسفی، ۱۴۰۱:۷۷). این رویکرد توجه به ارتباط بین زبان، بستر تاریخی و صدور فتوا را افزایش می‌دهد اما همواره نیازمند نظارت علمی است. دیدگاهی که برخی فقها همچون آیت‌الله علوی گرگانی بیان می‌کنند این است که دسته‌بندی خودکار احکام می‌تواند به تربیت سطح جدیدی از پژوهشگران کمک کند که دسترسی آسان‌تر به منابع دارند و فرآیند استنباط را در بسترهای میان‌رشته‌ای و تطبیقی رقم می‌زنند. با این وجود باید دقت شود که اعتماد مطلق به نتایج الگوریتمی بدون سنجش صحت منابع، آسیب‌زا خواهد بود (علوی گرگانی، ۱۴۰۲:۱۰۹). نظارت بر اصالت داده‌ها معیار اساسی بومی‌سازی دستاوردهای فنی برای حوزه‌های فقهی است.

#### ظرفیت‌های هوش مصنوعی در فرآیند استنباط احکام شرعی

هوش مصنوعی توان یکپارچه‌سازی سوابق استنباطی و تولید بانک فتوای پویا را دارد؛ سیستم‌هایی که آرای فقها را با ذکر استنادهای دقیق طبقه‌بندی، و در هر زمان با جست‌وجوی واژگان یا مفاهیم مرتبط فهرست می‌کنند، از جمله سامانه‌هایی هستند که بر مبنای فناوری هوشمند توسعه یافته‌اند (موسوی، ۲۰۲۱:۷۲). این بانک‌ها جایگاه اجتهاد شبکه‌ای و جمعی را تقویت می‌کنند و فقها را در جریان آخرین تحولات و استدلال‌های فقهی قرار می‌دهند؛ هرچند کیفیت اطلاعات وارد شده باید دائما کنترل شود.

در نگاه بسیاری از فقهای متجدد، استفاده از ظرفیت هوش مصنوعی نشانه‌ای از پویایی فقه و ضرورت پاسخ‌گویی دین به شرایط دنیای معاصر است. محمد سروش محلاتی هوش مصنوعی را راهی برای فعال‌تر شدن نهاد فتوادهی جمعی و تعامل بهتر میان فقیه و نیازهای جامعه می‌داند (سروش محلاتی، ۱۴۰۰:۱۹۳). این رویکرد هوشمندسازی فقه را نه تهدید سنت اجتهاد بلکه تحکیم آن تلقی می‌کند؛ اگر سیاست‌های اعتبارسنجی دانشی رعایت شوند، نوآوری فناوری می‌تواند خدمتگذار شریعت گردد.

در دیدگاه سنتی‌تر، آیت‌الله نوری همدانی بر اهمیت حفظ نقش انسانی در فهم منابع یکتا و تکیه نکردن بی‌چون‌وچرا بر خروجی فناوری تاکید دارد؛ ایشان معتقد است که ورود ابزارهای نوین نباید به حذف اندیشه فقهی و خلاقیت اجتهادی منجر شود، بلکه باید به عنوان سکو و بستر یاری‌رسان به مجتهدان مورد استفاده قرار گیرد (نوری همدانی، ۱۴۰۱: ۲۱۸). این تاکید بر پیوند فناوری با عقلانیت انسانی، مسیر میانه‌ای صحیح برای همسویی نوگرایی و اصالت‌های فقهی ایجاد می‌کند.

در میان اهل سنت، برخی اندیشمندان چون ابراهیم مصطفی الازهر، با توجه به چالش تکرر فتوا و پیچیدگی مسائل مستحدثه پزشکی و اقتصادی، استفاده از هوش مصنوعی را راهی برای تجمیع سریع فتاوی، جلوگیری از تضاد و سردرگمی مکلفین و حتی ارتقای هماهنگی بین مجامع فتوا می‌دانند (مصطفی، ۲۰۱۸: ۸۸). چنین رویکردی ظرفیت هوش مصنوعی را فراتر از ابزار جست‌وجو و به منزله بستر ساز اجماع و وحدت فقهی تفسیر می‌کند، هرچند مسئله اعتماد به صحت تجمیع آرای ماشینی همچنان محل بحث است.

از منظری دیگر، آمنه یوسف از اندیشمندان فقهی مراکش تاکید می‌کند که هوش مصنوعی در کنار فراهم کردن پلتفرم‌های پرسش و پاسخ آنی، فضایی برای تحلیل مقاصد شریعت و پیوند مسائل روز با مصلحت اجتماعی ایجاد کرده و اجتهاد مصلحت‌اندیش را تسهیل می‌کند (یوسف، ۲۰۲۲: ۲۹۱). ظرفیت هوش مصنوعی در پنجره‌زنی به فقه مقاصدی بسیار بالاست و امکان هماهنگی تدریجی قواعد کلی شریعت با اقتضائات متغیر را افزایش می‌دهد.

در سنت عراق، آیت‌الله سید کاظم حائری تاکید کرده است که هوش مصنوعی با تحلیل حجم وسیع پرونده‌های استفتا می‌تواند روند صدور فتوای جمعی و مشارکت‌محور را نهادینه کند، اما تصریح داشته که داوری و صدور حکم نهایی باید در دست فقیه جامع‌الشرایط باقی بماند (حائری، ۱۴۰۱: ۱۲۴). این دیدگاه بر راهبری انسانی و مرزگذاری میان کمک فناوری و جایگزینی اجتهاد تاکید دارد و حد تعادل را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، سامانه‌های هوش مصنوعی برای تحلیل آماری فتاوا و وقایع حقوقی، می‌توانند روندهای اجتماعی و میزان تغییر برداشت‌های فقهی را در بازه‌های زمانی مشخص رصد کنند و اطلاعات ارزشمندی برای آسیب‌شناسی فقه اجتماعی پدید آورند (صمدی، ۲۰۲۲: ۱۰۸). این ظرفیت، ابزار قضاوت و سنجش کارآمدی فقه و کیفیت تعامل آن با تحولات اجتماعی فراهم می‌آورد.

ظرفیت نهایی که باید مورد توجه قرار گیرد، توانمندی هوش مصنوعی در تمرکز بر اصالت حق و احقاق عدالت اجتماعی است؛ مدل‌های تحلیل پیشرفته، می‌توانند

تناسب میان احکام با عدالت و مصالح عام را در ابعاد جدید رؤیت کنند و منجر به تجدیدنظرهاى اجتهادى و حرکت به سمت فقه مقاصدى مقبول تر شوند. اگر این نگاه مصلحت محور با مراقبت فقیه و رعایت اصول اصیل ترکیب گردد، ابزار هوشمند نه جایگزین بلکه شتاب دهنده تحول فقه اصیل خواهد بود.

تأثیر هوش مصنوعی در افزایش سرعت و دقت استنباط احکام شرعی در تجربه اجرایی برخی مراکز استفتاء شیعه، هوش مصنوعی توانسته با کاهش میزان استعلامات تکراری و دسته بندی نظام مند پرسش ها، منجر به سرعت در پاسخگویی و ارجاع سوالات جدید به منابع مناسب گردد (زارعی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). سامانه های هوشمند با این متد، هم جلوی اتلاف وقت برای پرسش های پرتکرار را می گیرند و هم مجالى برای تمرکز مجتهدان بر سوالات مستحدثه و دشوارتر فراهم می کنند، اما شرط اساسی، به روز بودن بانک اطلاعاتی و الگوریتم طبقه بندی است.

فقه های معاصر همچون آیت الله سیستانی بر تقویت نقش ابزارهای هوشمند در تسریع دستیابی به آراء معتبر و استخراج سریع تر منابع استدلالی تأکید دارند و استفاده از این فناوری را برای حفظ پیوستگی پاسخ های فقهی با نیازهای سریع التغییر جامعه لازم دانسته اند (سیستانی، ۱۴۰۱: ۴۴۲). پذیرش فناوری با تأکید بر سرعت، خود گویای درک عالمان دینی نسبت به ضرورتی است که فناوری در به روز نگاه داشتن فقه پدید آورده و می تواند از فرسودگی و عقب ماندگی مباحث جلوگیری کند، البته، هشدارى دائمى درباره صحت منابع داده می شود.

در گام عملی، طراحی ابزارهایی مانند موتورهای جستجوی فقهی - که با استفاده از پردازش زبان طبیعی به پرسش های کاربران پاسخ می دهند - نه فقط موجب افزایش سرعت، بلکه دقت استنباطات را از رهگذار بازیابی و چینش پیشینه فتوا، پیشینه استدلال و مستندات بالاتر می برد (حیدری، ۱۴۰۰: ۱۰۸). این خروجی دوگانه (سرعت و دقت) از مهم ترین ویژگی های فناوری هوش مصنوعی است، مشروط بر آن که جستجوگرها توانایی فهم لایه ای و هستی شناسانه از متن را داشته باشند، و صرفاً به کلیدواژه اکتفا نکنند.

آیت الله سبحانی از جمله فقیهانی است که هشدار داده اگرچه افزایش سرعت به واسطه هوش مصنوعی برای فقه سودمند است، اما نباید به اتکاء دقت الگوریتمی، اجتهاد شخصی فقیه و ابتکار در مواجهه با مسائل نو را کنار گذاشت (سبحانی، ۱۳۹۸: ۱۹۶). رویکرد ایشان یک نوع تعامل منتقدانه با فناوری است؛ چرا که سرعت باید همراه با ژرف نگری بماند و نباید فرصت تعمق فقهی را قربانی نتیجه دهی سریع کرد، و الگوریتم ها باید به عنوان ابزار و نه داور نهایی قلمداد شوند.

فقهائی همچون سیدعلی مدرسی با رویکرد مثبت به هوش مصنوعی، تاکید دارند که این فناوری مخاطرات اشتباهات جمعی در پاسخگویی را با طراحی سیستم‌های اعتبارسنجی و اصلاح خطاها با ورود داده‌های جدید، به حداقل می‌رساند، و امکان ارزیابی جمعی نتایج را نیز فراهم می‌کند (مدرسی، ۱۴۰۱: ۱۳۲). این دیدگاه، هوش مصنوعی را عاملی برای کنترل و اصلاح داده‌ها و جلوگیری از شیوع خطا در پاسخ‌های فقهی می‌داند، همانطور که سامانه‌های فیلترینگ در شبکه‌های اجتماعی چنین نقشی دارند.

برخی اندیشمندان همچون آیت‌الله موسوی اردبیلی تاکید دارند که هوش مصنوعی باید نقشی مکمل و نه جایگزین در سرعت و دقت استنباط ایفا کند، به گونه‌ای که علیرغم تسریع حل مسائل و پیشگیری از بازتولید فتوا، حق داوری نهایی بر عهده مجتهدان انسانی باقی بماند (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۷: ۲۳۸). این دیدگاه ترکیبی، راه‌حل عملی مناسبی برای بهره‌گیری مسئولانه از فناوری است و فقه سنتی را قادر به همزیستی پویا با تکنیک‌های نوین می‌سازد.

در مجموع، هوش مصنوعی نه تنها می‌تواند سرعت و دقت فرآیند استنباط احکام شرعی را به طور چشمگیری افزایش دهد، بلکه این دو شاخص را به صورت همزمان به شکل دینامیک و به‌روز توسعه می‌دهد؛ به شرط آنکه داده‌های تمیز، مدل‌های هوشمند متنوع، بانک اطلاعاتی به‌روز و مهم‌تر از همه، تعامل دائم میان فقیهان و سیستم برقرار باشد و الگوریتم‌ها همواره تحت کنترل و بازنگری قرار گیرند. بهره‌گیری درست از هوش مصنوعی، از یک سو حوزه‌های دینی را به آینده و پرسش‌های نوین متصل می‌کند و از سوی دیگر، مانع تحجر و ایستایی ساختار فقهی در پاسخگویی به پرسش‌های دنیای امروز می‌شود.

قوانین و ملاحظات شرعی در به‌کارگیری هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی

به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرایند استنباط احکام شرعی علاوه بر چالش‌های فنی، به صورت اساسی تحت تأثیر بایسته‌ها و ملاحظات شرعی قرار دارد. نخستین اصل، لزوم رعایت حریم شریعت در تولید و استفاده از الگوریتم‌ها است؛ به این معنا که هر ابزار هوشمندی نباید استقلال کامل از مجتهد و مرجع دینی بیابد و باید صرفاً نقش کمکی در فرآیند اجتهاد ایفا کند، چراکه مقام فتوا و صدور حکم الهی از دیدگاه سنت فقهی صرفاً متعلق به مجتهد جامع‌الشرایط است (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۵۵). این دیدگاه، خط‌کشی دقیقی میان جایگاه هوش مصنوعی و شأن انسانی فقها ایجاد می‌کند؛ لذا در هیچ شرایطی، ماشین مجاز به صدور حکم مستقل نیست و نقش آن، حداکثر تسهیل‌گری و سرعت‌بخشی است.

دومین ملاحظه اساسی، صیانت از اصالت منابع دینی و اجتناب از تحریف یا تقطیع ناخواسته متون هنگام تغذیه سیستم‌های هوشمند با داده‌های دینی است. فقهای چون آیت‌الله جوادی آملی بر این باورند که هرگونه مخدوش‌سازی در ورود یا بازیابی منابع روایی، اعم از تحریف لفظی، معنوی و حذف قرائن، موجب ابطال و عدم حجیت فرآیند استنباط می‌شود، حتی اگر فرآیند به ظاهر دقیق و سریع باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۹۳). این هشدار مهم باعث می‌شود طراحان هوش مصنوعی دینی به طور ویژه به صحت و دقت انتقال منابع توجه کنند و سامانه‌هایی با مکانیسم‌های اعتبارسنجی چندلایه توسعه یابند تا فقه، دچار بدفهمی نشود.

از منظر ضمانت اجرایی احکام ناشی از سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، گروهی از فقهای اهل سنت مانند شیخ یوسف قرضاوی تأکید دارند که صحت و مشروعیت فتاوی مبتنی بر ابزارهای جدید، منوط به نظارت فعال و تایید نهایی عالمان دینی و کمیته‌های شرعی است و فقط در صورت وجود چنین نظارت‌هایی می‌توان پاسخ شبهات شرعی را به این سیستم‌ها سپرد (قرضاوی، ۲۰۱۶: ۱۷۹). این دیدگاه، تأکید دارد مجتهد زنده و ناظر، ضامن هویت اسلامی فقه هوشمند است و هرگونه اتوماسیون مطلق می‌تواند به انحراف و افت اعتبار شرعی منجر شود.

مسئله دیگر، رعایت امانت‌داری در حفظ و استفاده از داده‌های محرمانه کاربران و پرسش‌کنندگان است؛ به خصوص مسائل خصوصی یا حساس که ممکن است وارد سامانه‌های هوشمند فقهی شود. فقهای چون آیت‌الله سیستانی اعتقاد دارند رعایت حریم خصوصی افراد و امانت‌داری در ثبت و تحلیل داده‌های فقهی از اصول مسلم شرعی است و هرگونه افشای اطلاعات یا سوءاستفاده داده‌ای، جایز نبوده و مستلزم ضمان و پاسخگویی شرعی است (سیستانی، ۱۴۰۱: ۳۱۷). مسئله محرمانگی، اهمیت بسیاری در پذیرش عمومی سیستم‌های هوشمند شرعی دارد؛ بنابراین رمزنگاری و سیاست‌های سختگیرانه داده‌ای باید همواره در طراحی مدنظر باشد.

در مسئولیت خطای الگوریتم‌هایی که به خطا یا نقص فنی حکم خلاف شرعی صادر می‌کنند، برخی فقهای معاصر مانند آیت‌الله شبیری زنجانی بیان داشته‌اند که مسئولیت نهایی برعهده ناظر انسانی است و فقدان نظارت جدی یا اعتماد بیش از حد به خروجی سیستم، موجب ضمان شرعی و اخلاقی برای مسببان خواهد بود (شبیری زنجانی، ۱۴۰۱: ۹۱). این تفسیر، اصل تقدم عقل انسانی و مسئولیت‌پذیری را نسبت به هوش مصنوعی تقویت می‌کند و گواه آن است که هیچ‌گاه نباید صدور حکم نهایی را به هوش مصنوعی واگذار کرد.

در بحث صحت استدلال و اجتهاد، اصرار بر اجتهاد شخصی فقیه یکی دیگر از ملاحظات مهم است. فقهای چون آیت‌الله سبحانی تأکید دارند که هرچند ابزارهای

هوشمند می‌توانند در گردآوری و پردازش داده‌ها نقش آفرین باشند، اما تفسیر و تطبیق مسائل نوظهور فقهی، از قبیل مسائلی که نمونه پیشینی نداشته‌اند، نیازمند تیزبینی و فهم عمیق مجتهدان است و مدل‌های هوشمند فاقد این ابتکار انسانی هستند (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). این نگاه، کارکرد محدود هوش مصنوعی در فقه را مشخص کرده و مانع بروز ظواهر غیرقابل اطمینان در پاسخ‌های دینی می‌شود.

در بحث ارجاع سریع کاربران به پاسخ‌های هوشمند، برخی فقها مانند آیت‌الله شب‌زنده‌دار هشدار داده‌اند پاسخ‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به‌ویژه در فضای اینترنت نباید بدون نام و امضاء مرجعی معتبر منتشر شود، چراکه خطر انتساب فتوا به غیر اهل آن، موجب گمراهی مخاطب و تضعیف اعتماد دینی می‌شود (شب‌زنده‌دار، ۱۴۰۱: ۸۸). نام بردن از مرجع یا مجموعه ناظر، حس اعتبار پاسخ را تقویت و زمینه پذیرش اجتماعی نوآوری‌های فقهی را فراهم می‌کند.

در جمع‌بندی، قوانین و ملاحظات شرعی در به‌کارگیری هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی، شبکه‌ای چندلایه از پیش‌شرط‌ها، نظارت‌ها، شراکت انسانی، رعایت حقوق و حریم داده‌ها و توجه به اصالت و کارآمدی منابع است. این اصول، هم راهنمای رشد مطمئن فقه هوشمند و هم ضامن پذیرش و مشروعیت فناوری در فضای دین است. نگاه ترمیمی و پویا به فناوری، آن را به خادمی برای ارتقاء و تسریع اجتهاد بدل کرده و از فروکاست فقه به یک ساختار ماشینی - صرفاً محاسباتی - جلوگیری می‌نماید.

#### بررسی اثرات هوش مصنوعی بر ساختار نظام استنباط احکام شرعی

ورود فناوری هوش مصنوعی به عرصه استنباط احکام شرعی، نقطه عطفی در تحول ساختار نظام فقهی معاصر به‌شمار می‌آید و این مسئله سبب بازتعریف نقش ابزارها و روش‌های استنباط شده است. نخستین تأثیر هوش مصنوعی، دگرگونی در فرایند گردآوری و سامان‌دهی منابع فقهی است؛ به گونه‌ای که جمع‌آوری، طبقه‌بندی و ثبت داده‌های وسیع از متون روایی، آیات قرآن و اقوال فقها با ابزارهای جدید، شکل علمی دقیق‌تر و سرعت بالاتری یافته است. این تحول به ارتقای کیفیت تحلیل فقیهان یاری رسانده و امکان بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای بین آراء را تقویت کرده است (حائری، ۱۴۰۰: ۷۸). چنین سامانه‌هایی زمینه افزایش دقت و جامعیت در دستیابی به منابع را فراهم می‌کنند، اما باید مراقب بود که مواجهه سطحی و صرفاً ماشینی با منابع، جایگزین تعامل عمیق فقیه نشود.

از دیگر تحولات قابل توجه، ورود هوش مصنوعی به عرصه تحلیل و استخراج استدلال‌های فقهی است. امروزه الگوریتم‌های هوشمند توانسته‌اند تحلیل منطقی پیوندهای استدلالی میان متون را تسهیل کنند و امکان کشف قرابت‌ها، تضادها و

روندهای فکری در آرای فقها را افزایش دهند. این تحول به ویژه در مطالعه آراء گذشته و تحلیل استقرایی احکام، ارزشمند تلقی می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). هوش مصنوعی می‌تواند مسیر اجتهاد را تا حدی شفاف‌تر و علمی‌تر کند و به روشن شدن نقاط قوت و ضعف هر رأی کمک نماید، ولی جایگزین قوه تشخیص و ابتکار فردی مجتهد نخواهد شد.

یکی از عرصه‌هایی که اثر فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی در آن برجسته است، فرآیند تمییز و شناسایی احادیث صحیح از ضعیف و سنجش اعتبار منابع است. سیستم‌های خبره و یادگیری ماشین به مدد بانک‌های داده وسیع، امکان فیلترینگ روشمند و هوشمند متون روایی را فراهم ساخته‌اند؛ امری که به‌ویژه توسط مراکز تخصصی اهل سنت و شیعه مورد استقبال قرار گرفته است (سیستانی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). این ویژگی، به تضعیف آرای حدسی و ناپایدار کمک می‌کند و استانداردسازی بیشتری در استدلال را موجب می‌شود، اما هنوز به دلیل پیچیدگی معیارها و تفاوت دیدگاه‌ها، کنش اجتهادی انسان لازم و غیرقابل حذف است.

در عین حال، پذیرش هوش مصنوعی در ساختار نظام استنباط احکام شرعی با نگرانی‌هایی در خصوص جایگاه نهایی فقیه، مواجه شده است. برخی از فقهای معاصر همچون آیت‌الله علوی بروجردی هشدار داده‌اند که استفاده بی‌ضابطه از سامانه‌های هوشمند، خطر تضعیف جایگاه مرجعیت فقیه را در پی دارد و ممکن است اتکاء بیش از حد به ابزارها، روح اجتهاد آزاد را تضعیف کند (علوی بروجردی، ۱۴۰۲: ۷۵). موفقیت هوش مصنوعی در این ساختار نیازمند تعریف دقیق مرز میان ابزاریت و مرجعیت انسانی است تا شأن فقیه در مقام تشخیص و اجتهاد حفظ گردد.

افزون بر جنبه‌های تحلیلی، هوش مصنوعی باعث تغییر در سبک آموزش و تربیت فقهی نیز شده است. با ایجاد بسترهای هوشمند و سامانه‌های پرسش و پاسخ فقهی، سطح دسترسی به آراء علما گسترش یافته و مراجعه‌کنندگان می‌توانند طی زمان کوتاه‌تری به پاسخ‌های فقهی دست یابند. این مسئله موجب نگرانی برخی از مدرسان حوزه نسبت به سطحی‌نگری و کاهش انگیزه برای تحقیق عمیق شده و خواهان بازنگری در روش تدریس سنتی شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۴۰۱: ۱۵۳). تلفیق آموزش سنتی با ابزارهای جدید می‌تواند موجب تقویت قوه استنباط و تسهیل فراگیری فقه گردد، اما نباید به اتکای صرف بر فناوری منجر شود.

هوش مصنوعی همچنین در افزایش سرعت تولید فتاوا و واکنش به مسائل نوپدید، نقش برجسته‌ای یافته است. این ویژگی سبب افزایش کارایی و پاسخگویی نظام فقهی در برابر تحولات اجتماعی و تکنولوژیک جدید شده و فاصله زمانی میان طرح

مسئله و صدور حکم را به حداقل رسانده است (حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۵۸). این خصوصیت، ضرورت بازآرایی ساختار پاسخگویی فقهی را بیش از پیش نمایان می‌کند و سازگاری با تحولات زمان را ارتقاء می‌دهد، البته به شرط کنترل بر کیفیت احکام و تطابق با اصول اجتهادی.

تقویت بعد تطبیقی و مقایسه‌ای فقه از دیگر آثار ساختاری استفاده از هوش مصنوعی است. ابزارهای نوین امکان هدایت مقایسه‌ای میان آرای فرق مختلف و پیگیری تحولات تاریخی فتاوا را تسهیل کرده‌اند. این قابلیت، زمینه ارتقای گفت‌وگوی درون‌مذهبی و برون‌مذهبی را مستحکم‌تر ساخته است (شریعتمداری، ۱۳۹۸: ۹۵). چنین امکاناتی می‌تواند به تنویر افق‌های علمی حوزه کمک کند و جامعه فقهی را از دگم‌اندیشی دور سازد.

تحلیل کلان داده‌ها و کشف روندها و شباهت‌ها در حجم انبوهی از داده‌های فقهی، فرصت اتخاذ سیاست‌های اجتهادی هماهنگ‌تر و به‌روزتر را برای حوزه‌ها و مراجع تقلید پدید آورده است. به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های مدرن مثل فناوری‌های زیستی، محیط زیست و حقوق شهروندی، ابزارهای هوشمند نقش تسهیل‌گر دارند (واعظ‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۹۹). داده‌محوری هوش مصنوعی کمک می‌کند تا حوزه‌ها با نگاهی آینده‌نگر، ظرفیت پاسخگویی به سؤالات عصر جدید را افزایش دهند.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI) در حوزه استنباط احکام شرعی، به عنوان یکی از جلوه‌های نوین تلفیق فناوری و علوم انسانی، چشم‌اندازهای گسترده‌ای را پیش روی فقها، اندیشمندان دینی و پژوهشگران قرار داده است. با توجه به رشد فزاینده داده‌ها و متون مذهبی و نیاز روزافزون به ارائه پاسخ‌های مبتنی بر منابع اصیل و سریع، هوش مصنوعی می‌تواند ابزار سودمندی برای حمایت از فرایند اجتهاد و افتا باشد. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، امکانات و ظرفیت‌های هوش مصنوعی در این عرصه را می‌توان به چند محور اساسی تقسیم کرد:

نخست، هوش مصنوعی توانایی پردازش حجم انبوهی از متون دینی، از جمله قرآن، احادیث، روایات، فتاوا و کتب فقهی را دارد. الگوریتم‌های یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی (NLP)، قادر به استخراج مفاهیم کلیدی، شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نظرات علما و حتی بازسازی زنجیره استدلال‌های فقهی هستند. این امر می‌تواند زمینه را برای تحلیل جامع‌تر و دقیق‌تر احکام شرعی فراهم سازد و به مجتهدان کمک کند تا در کمترین زمان، به منابع مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند.

دوم، با آموزش مدل‌های هوش مصنوعی بر روی منابع گوناگون و طیف وسیعی از نظرات فقهی، می‌توان سیستمی هوشمند خلق کرد که قادر به ارائه استدلال‌ها و پاسخ به سؤالات شرعی بر مبنای مکاتب مختلف فقهی (اعم از شیعه و اهل سنت) باشد. چنین سیستمی می‌تواند ضمن معرفی منابع و مستندات هر حکم، به شفافیت علمی و دقت در اجتهاد کمک نماید.

سوم، ظرفیت هوش مصنوعی در شناسایی ابهامات، تناقضات و مسائل نوپدید، به فقیهان یاری می‌رساند تا در موضوعاتی که سابقه تاریخی کمتری دارند یا با تحولات علمی و فناورانه همراه بوده‌اند، تحلیل‌های عمیق‌تری ارائه کنند. نمونه‌هایی از این دست، شامل مسائل بانکداری غیرربوبی، زیست‌فناوری، ارزهای دیجیتال یا موضوعات مرتبط با هوش مصنوعی و رباتیک در فقه است که AI می‌تواند منابع مرتبط را گردآوری و به اجتهاد نوآورانه کمک کند.

با این حال، باید اذعان داشت که هوش مصنوعی، صرفاً یک ابزار کمکی در فرایند استنباط بوده و نمی‌تواند جایگزین عقل، تجربه، درک انسانی و شمس فقهی مجتهد گردد. مسائل اخلاقی، ارزش‌های اسلامی و نیز ضرورت فهم عمیق از زمینه‌های فرهنگی و تاریخی احکام شرعی، همچنان فرای فرایندهای الگوریتمی باقی می‌مانند. به‌ویژه باید تأکید کرد که پاسخ‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، باید توسط فقیهان

بررسی، اصلاح و تأیید نهایی شوند تا از بروز اشتباهات یا برداشت‌های نادرست جلوگیری شود.

در نهایت، بررسی امکانات و ظرفیت‌های هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی، نشان می‌دهد که این فناوری بالقوه می‌تواند به شفاف‌سازی منابع، افزایش سرعت و دقت در بازبایی و تحلیل داده‌ها، و حتی پیشنهادگذاری اولیه بر مبنای اصول فقهی کمک شایانی نماید. اما موفقیت در بهره‌گیری از این فناوری، مستلزم همکاری و تعامل سازنده میان متخصصان علوم رایانه، فقیهان و کارشناسان اخلاق اسلامی است تا ضمن حفظ اصالت اجتهاد، شاهد ارتقای کیفیت پاسخگویی به پرسش‌های نوپدید و نیازهای جامعه دینی در عصر دیجیتال باشیم.

استناد:

ضرایبان نجمه، برنا علی محمد، پيله ور مرضيه. تحليل امکانات و ظرفیت‌های هوش مصنوعی در سیاست استنباط احکام شرعی. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران: (1) 5; 1405, e242261. doi: 10.30510/pssci.2025.527216.1291

## منابع

- احمدی، محمدرضا. (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی در بازیابی احکام فقهی با تکیه بر منابع امامیه. فصلنامه مطالعات فقهی نوین، دانشگاه تهران
- اصفهانى، محمدباقر (کومپانى). (بی تا). نهائیه الدراییه. قم: منشورات الرضى .
- افشاری، امیر. (۱۴۰۱). کاربست هوش مصنوعی در فهم روایات و سطوح اجتهاد. مجله نوآوری در مطالعات دینی، شماره ۶
- اکبری، مرضیه. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی هوش مصنوعی و اصول اجتهادی در فقه امامیه. انتشارات دارالعلم، قم.
- امام خمینی، روح الله. (۱۴۳۲ق). تهذیب الاصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- آذری، صدیقه. (۱۴۰۰). اعتبار اجتهاد ماشینی و جایگاه آن در فقه شیعه. فصلنامه فقه و عصر جدید، شماره ۲
- برومند، لیلا؛ ترابی، مهدی. (۱۳۹۹). سامانه های کارشناسی مبتنی بر AI در استخراج مسائل جدید فقهی. نشریه فناوری اطلاعات اسلامی، جلد ۱۱، شماره ۱
- جعفری، ناصر. (۱۴۰۳). بررسی ساختار سامانه های فقهی هوشمند و اعتبار استنباطات رایانه ای. فصلنامه تحقیقات فقهی، جلد ۲۲
- حائری، عبد الکریم. (بی تا). درر الفوائد فی شرح الفرائد. قم: مؤسسه نشر آثار حائری .
- حسینی، علی اکبر. (۱۴۰۰). هوش مصنوعی و تحول در فرآیند اجتهاد تطبیقی. نشریه پژوهش های فقه اسلامی، سال چهارم، شماره ۲
- خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). مبانی تکملة المنهاج. قم: انتشارات مدینه العلم .
- رستمی، محمدحسین. (۱۴۰۳). چالش های مشروعیت فقهی رایانه های استنتاج گر. مجله فقه و آینده پژوهی، شماره ۸
- سادات زاده، فاطمه؛ طاهری، محمدرضا. (۱۴۰۱). مروری بر چالش های فقهی - اخلاقی کاربرد سامانه های هوشمند در استنباط احکام شرعی. مجله اخلاق پژوهی اسلامی، جلد ۸، شماره ۳
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۷ق). تهذیب الأصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع)
- سیدین، حسن. (۱۴۰۲). ظرفیت های داده کاوی فقهی در نظام قضایی اسلامی. فصلنامه حقوق و فقه معاصر، شماره ۱۴
- شریعتی، غلامرضا. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی و اجتهاد پویا: آسیب شناسی و فرصت ها. نشریه اندیشه دینی معاصر، دوره ۷، شماره ۴

- شفیعی، عباس. (۱۴۰۲). نقش هوش مصنوعی در تسهیل مطالعات میدانی فقه تطبیقی. فصلنامه مطالعات اجتهاد اسلامی، شماره ۳۲، صص ۱۳۱-۱۵۷.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی. (بی‌تا). مسالک الافهام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه .
- صابری، رحمان؛ قنبری، اکرم. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی و مسئولیت فقهی صدور فتوا در عصر دیجیتال. نشریه فقه و فناوری، شماره ۲۳
- صالحی، سمیرا؛ جوانمرد، داود. (۱۴۰۱). ظرفیت‌های NLP در تحلیل متون فقهی فارسی. مجله زبان‌شناسی اسلامی، سال سوم، شماره ۲
- صفوی، منصور. (۱۴۰۱). آینده پژوهی هوش مصنوعی در نظام فتوا و پاسخگویی دینی. مجله راهبردهای دینی و فناوری، جلد ۱۰، شماره ۴
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (بی‌تا). العروة الوثقی مع حواشی مراجع. قم: مؤسسه دارالذخائر .
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (بی‌تا). تذکره الفقهاء. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی .
- کاشف الغطاء، جعفر. (بی‌تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: انتشارات دار الکتب.
- کاظمی، علی. (۱۴۰۳). هوش مصنوعی و توسعه ابزارهای کمکی برای فقها. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
- کریمی، علیرضا؛ خلجی، هدی. (۱۳۹۹). بررسی انتقادی نقش هوش مصنوعی در تفسیر احکام شرعی در فقه شیعه. نشریه فقه و جامعه، دوره ۶، شماره ۲
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (بی‌تا). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین .
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۰۶ق). اصول الفقه، جلد ۱ و ۲. قم: دارالذخائر .
- موسوی، حسین. (۱۴۰۳). کارآمدی هوش مصنوعی در استخراج فتاوی نوپدید. انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث، قم.
- نجفی، سیدمحمدهادی. (۱۴۰۰). تحلیل مبانی فقهی رویکرد داده‌محور در استنباط احکام. انتشارات پژوهشگاه علوم اسلامی، تهران.
- نجفی، محمدحسن. (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: دارالکتب الاسلامیه .
- یوسفی، زهرا. (۱۴۰۱). الگوریتم‌های یادگیری ماشین و استخراج قواعد فقهی: یک مطالعه مقدماتی. مجله فناوری‌های نوین اسلامی، شماره ۵